

# کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

## رستاخیز محرم

نمی بینید چگونگی مردم دست از حق برداشته  
و بیاطل گمراهانند؟! آنکس که شر آش  
وجودش غرق ایمان است؛ باید برای وصل  
معشوق و دیدار پروردگار تلاش کند.

من مَرَك را جز سعادت و زانگی  
با متمکاران راجز مَرَك و هلاکت نمی بینم.  
<حسین بن علی (ع)>

هزار سیصد و نوزده سال پیش، در سر زمین نیوا؛ خون پاک فرزندان  
برو مندیغمبر خدا، حسین بن علی (علیه السلام) بزمین ریخت، قطرات این خون آتشی  
افروخت که هنوز شعله های سوزانش تا اعماق دل فرزندان آدم پیش میرود، و  
دود آتش از سینه های آزرده مردم، بیرون می آید و میرود که دامنه این سوز و  
التهاب و این عشق و آتش وسیعتر گردد، تا گاهی که بصورت يك لهیب  
جهانی بخرمن ظلم افتد و ریشه فساد و انحراف و جرم و جنایت را بسوزاند.

و دیوهای ستمگر و مخمور را از پادار آورد .

تا مگر انتقام این خون مقدس ، که عصاره عدل و فضیلت انسانی است ، از دژ خیم ظلم و جنایت بشری گرفته شود ، و ستمکاران و از گون گردند و پرچم پیروز عدالت بر بام جهان افراشته شود .

\*\*\*

بحسین بن علی پیشنهاد دادند که با حکومت عیاش و فاسد وقت بسازد و سر تسلیم در مقابل عمال ظلم و هوس فرود آورده ، و با عمال تنگین آنان صحنه گذارد .

جواب حسین بن علی علیه السلام از خلال عبارات نامه ها و خطب و وصایای آن حضرت روشن ، و روح پاک و غیور ، و هدف مقدس او از سطور ذیل پدیدار است :

« اگر همه راههای دنیا برویم بسته شود ، بایزید بیعت نمیکنم . »

« این ناپاک و ناپاک زاده مرا مخیر کرده که یا آماده جنگ »

« باشم و یا تن بذات بیعت بدهم ، من که جازیر بار ذلت میروم ؟ »

« ... شما خود میدانید که پیغمبر در حال حیات خود فرمود : »

« کسیکه شاه ستمکاری را ببیند که حرام خدا را حلال ، »

« دانسته و پیمان خدا را شکسته است ، بادستور پیغمبر خدا »

« مخالفت میکند ؛ و در بین مردم باجرم و جنایت رفتار »

« مینماید ، و هیچگونه اعتراضی نسبت باو ، بدست و زبان »

« نکند ، بر خداست که او را بسر نوشت شوم همان جنایتکار »

« گرفتار سازد ، شما میدانید که این خاندان سر بفرمان »

« شیطان نهاده ، و از اطاعت خدا سرپیچی میکنند ، در زمین »

«فساد کرده و حد ود الهی را تعطیل کرده اند، و بود جه»

«مملکت را بیغما میبرند . . . .»

«من بخاطر عیاشی و تبهکاری و ستمگری نمیروم . میروم

«تا مگر امر این ملت را اصلاح کنم . میروم تا بخوبی فرمان»

«دهم و جلو بدیهارا بگیرم . . . .»

رفت و عالیترین فداکاری تاریخ را از خود نشان داد؛ از آنچه

که هستی مادی تصور شود، چشم پوشید و برای یگان به حضر دوست

تقدیم کرد. تا درس عشق آموزد و راه و رسم فضیلت بفرزندان آدم

نشان دهد، فقط يك چیز در برق شمشیر و نگاههای نافذ و حرکات بی

در پی بازو و قلب پرشورش، در هیاهوی جنگ دیده میشد، و آن خدا

بود که تمام هستیش را تصرف کرده و شرایش وجودش را بخود مشغول

ساخته بود، قطرات خونی که از دم شمشیرش میچکید، از رگهای

مردم ناپاکی بود که دا من بشریت را آلوده کرده و با پایگاه حق

و فضیلت انسانی، بمبارزه برخاسته بودند.

قیافه آسمانی و ملکوتیش در آخرین لحظات زندگی، برق

حیات و طراوت عشق را منعکس میکرد، تا آنجا که دشمن گفت:

«وقتیکه آخرین رمق زندگی را از دست میداد، بر بالای»

«سرش ایستاده بودم، بخدا هیچگاه کشته آغشته بخونی»

«ندیدم که از او زیباتر و چهره اش درخشان تر باشد.»

«نور رخسار و فروغ جمالش، خیال قتلش را از سرم بیرون»

«کرد . . . .»

آری او در فروغ الهی غرق بود که روح پاکش با آسمان ابدیت  
بر واز کرد.

یکدنیاء عشق و وفا؛ حریت و فضیلت، حقیقوئی و فداکاری از جهان  
رفت.. کتابخانه مدرسه فیضیه قم

او تنها يك بشر نبود که از پای در آمد، او جاوه حق و آئینه تمام-  
نمای کمال انسانی بود که درهم شکست.

این خون پاک خدا بود که بزمین ریخت.

هنوز دامن بشریت از این جنایت بزرگ لکه داراست، سرنگون  
شدن دستگاہ بنی امیه کافی نیست که انتقام این روح ابدی و این خون  
پاک، گرفته شود، بهمان نسبت که حق بزرگ است، این خون  
ارزش دارد، آری تا حق در سراسر جهان احیا نگردد و حکومت  
باطل و ظلم سرنگون نشود، انتقام این خون گرفته نشده است.

تا حقوقی از اجتماع بشری یابمال میشود، تا مردمی عیاش  
و هوسران بر سر این مردم حکومت میکنند، تا فریادها و ندا های  
آزادی و حق طلبی خاموش میگردد، تا سینه های سوزان حق خواهان  
شکافته میشود، تا ثروت مردم بیچاره بچیب عمال ستم و بغما گران  
میریزد، تا نغمه های نامو زون فضیلت کش از حنجره مسموم دشمن  
بگوش میخورد، تا مراکز فساد و شهوت توسعه پیدا میکند، تا فاصله های  
طبقاتی زیاد تر میشود؛ تا سر زمینهای مردم بی پناه بر باد میرود،  
تا دشمن چنگالهای خود را تا مغز استخوان وریشة جان و کمون افکار  
مافرو می برد... انتقام خون حسین بن علی علیه السلام گرفته نشده است.

چون وقتی انتقام گرفته میشود ، که قاتل از پای در آید .  
 قاتل حسین بن علی (ع) عفریت ظلم و فساد است . تا این عفریت  
 از پای در نیامده ، خون میجوشد و پرچم سرخ قام بر فراز گنبد مطهر  
 ابا عبدالله علیه السلام در اهتزاز است .

آری باید این خون بجوشد ، باید دلها بخروشد ، باید علی‌رغم  
 همه کار شکنیها و سوء نظرها محرم شور و نوایا گردد .

این ناله‌های مظلومیت مردم است که از سینه‌ها بنام حسین بلند  
 میشود ، این قطرات اشک محرومیت مردم است که بر گونه‌ها  
 سرازیر است .

آنان آخرین آرزوی خود و مبدأ اعلا ی رؤیا های خویش را  
 در خلال کلمات نورانی و روح پاک حسین میخواهند . لذا زبر این  
 خیمه گرد می‌آیند . و پای این لوازانو میزنند ، و دردها و غصه های  
 درونی خود را از دست ستمگران و نامجرمان ، بصورت قطرات اشک  
 سوزان ببزم حسینی میریزند . . . و در واقع ، روح خود را که در اثر  
 شکنجه زور گویان ، شکسته است ، باروح نیرو مند و زنده حسین  
 بن علی پیوند میدهند ؛ و پیمان ناگسستنی خود را برای روز انتقام نهایی  
 با او می‌بندند ، و آتش این عشق را در سینه های خود روشن ، و سوز  
 و گداز حق طلبی و عدالتخواهی را در درون خویش ، افروزان میکنند ،  
 تا کی مشتعل شده ، و از این خمودی بدر آیند ؛ و بجان تبه‌کاران  
 افتند !

آری دل مردم با اصول عدل و حق و پاکی ارتباط و علاقه دارد . مردم

سعادت و رفاه می‌خواهند ، مردم عدالت و راستی می‌جویند ؛ مردم خیر و انصاف و حق از زمامداران خود توقع دارند ، نمونه عالی جلوه این صفات را در حسین بن علی می‌بینند ، ریشه های جانیشان را با محور حق و فضیلت گره می‌زنند ، و محبت او را در شر و وجود خود می‌نگرند ، و بیاد مظلومیت‌هایش متأثر میشوند ، و قطرات سوزان اشک را که از احساسات عدالت دوستی و حق پرستی خود ، باز یافته اند ، نثار حسین میکنند .

و چون حق پایدار است ، محبوبیت حق هم پایدار است ، لذا این عزا و این اظهار شور و محبت تمام شدنی نیست ؛ تا جهانی باقی است و مردمی احساس علاقه ، بعدالت و پاکی و فدا کاری میکنند ، و از فشار ظلم و ستم در شکنجه اند ، بیاد مظهر تام حق و عدالت و نمونه عالی مبارزه با ظلم ، اشک شوق ، اشک حسرت ، اشک عشق و اشک محبت میریزند .

تاریخیکه هدف حسین بن علی (ع) اجرا شود ، و پرچم عدل افراشته گردد ، و سنگر های هرزگی و ستم تسخیر شده و پایه های لرزانش فرو ریزد . آری این اشکها برای آن روز و بیاد آن روز است .



محرم زمینه مساعدی است ، برای احیای افکار پاک حسین بن علی علیه السلام و اشاعه روشن بینها و حقائق اسلام .

خوشبختانه ، علاقه و محبت مردم هم ، این زمینه را مساعد تر میکند . در سراسر جهان اسلام ، مخصوصاً سرزمینهای شیعه نشین ، صدها هزار نفر با احترام حسین ، قهرمان پاکی و مردانگی گرد می‌آیند ، و افکار او را واح

خود را، برایگان در اختیار گویند گان مذهبی میگذارند؛ و باقظرات  
مهرانگیز اشک، دل خود را رام و آماده پذیرش حقائق میکنند.

این فرصت بسی مغتنم است، ولی کسانی میخواهد که از این  
موقعیت، بهره برداری کامل کرده، و از این فرصت استفاده نمایند، در مردم  
را بفهمند، روحیات، افکار و شرائط خاص جهانی، خواسته های اجتماعی  
محیط را درک کنند، و با عمق و تدبیر هر چه زیاده تر، و اطلاع و تسلط کامل بر  
مبانی اسلام، با برنامه منظم و صحیح، تبلیغ دین و نشر تعالیم اسلام به پردازند،  
و از این زمینه مساعد بنفع پیشبرد حق استفاده کنند.

خوشبختانه جمعی روشن و مطلع و پاك، که از مفاخر اسلام  
محسوب میشوند، و چشم و چراغ این دستگاہند، در این ایام بانجام وظیفه  
مشغول شده، و در این راه قدمهای رسائی بر میدارند.

ولی از طرفی متأسفانه باید اعتراف کنیم، که کسان دیگری هم که  
هیچگونه صلاحیت این مقام پاك را نداشته، و علماً و عملاً از حقائق دینی بی  
بهره اند، شان مقدس تبلیغ را شعار خود قرار داده اند.

ضرباتی که اسلام از دست اینان میخورد، قابل اغماض نیست، سکوت  
و مجامله و ملاحظه در این مورد عاقبت شومی را در پیش دارد. این سنگر  
بزرگی است که خوشبختانه هنوز در دست ما باقی است، ولی باید آنرا  
حفظ کرد.

ما گاه و بیگاه از اوضاع کله میکنیم، و از این که موقعیتها از دست  
رفته، تأسف میخوریم، و بر از دیاد مجامع فحشاء و فساد، و تبلیغات سوء آه و  
افسوس میکشیم، ولی باید دید تا چه حد از این فرصت حساس که در دست

داریم استفاده صحیح میکنیم. این افکار صدها هزار نفر جمعیت است که در ماه محرم و صفر در اختیار مقامات مذهبی است، تا چه کس این افکار را در دست گیرد؟ و چه اشخاصی خاموش بنشینند؟!

بالاخره هم چنین نخواهد ماند، منتهی اگر تصفیة صحیح و عاقلانه، بدست خود تشکیلات مذهبی، انجام نگیرد، بیم آن میرود، که دیگران که بهیچوجه صلاحیت این معنی را نداشته و خالت کنند، و احیاناً مطلب را از ریشه و گونگون سازند.

چه خوب بود، یک برنامه واحد و منظم، با در نظر گرفتن شرائط، در سراسر این سرزمین اجرا میشد، و یک سلسله مسائل اصولی و اساسی دینی، و همچنین یک سلسله مطالب خاصی که هر ساله با آن مواجه هستیم، در نظر گرفته میشد، و همه ساله قبل از فرارسیدن محرم، مقامات عالیة مذهبی شهرستانها، در مرکز بزرگ مذهبی، اجتماع میکردند، و باهم تصمیم میگرفتند، و مشکلات داخلی و خارجی مسلمین را مطالعه کرده و جبهه تبلیغات سال را روشن مینمودند، و سپس متفرق شده، و در شهرستانها بمبلغین و گویندگان گوش زده میکردند. و همه در یک صف، بسوی یک هدف، بایک برنامه پیش میرفتند، و ضمناً از دخالت افراد ناباب هم بنحو آرام و صحیح جلو گیری میکردند. تا مگر از این فرصت برآستی، قدیمی بسوی احیای هدف مقدس حسین بن علی علیه السلام برداشته شود.

این تصور مجملی است از یک دور نمای سعادت بخش تا چه حد بتوان؛ این

تصور را عملی تشخیص داده، و بآن احترام گذارد؟ (۱)

(۱) در دفتر انبیا که اوائل این بحث نقل شد از اهوف سید بن طاووس ط جدید ص ۷۶-۵۸ و ناسخ ج ۲ سید الشهداء ط جدید ص ۱۶۶-۱۷۲ و نفس المہوم ص ۴۵-۵۶ استفاده شده است.